

نظریه اریک فروم

عزّ الدّین رضا نژاد

نامری برتر که بر سرنوشت انسان تسلط داشته و واجب الطاعت و لازم الاحترام است»، مشعر بر دین خود کامه دانسته است و سپس، عناصر اصلی در ادیان خود کامه و تجربه دینی خود کامه را بر شمرد.

ویژگیهای ادیان خود کامه

فروم برای ادیان خود کامه و یکه تاز ویژگیهایی را بر شمرد که خلاصه آن چنین است:

الف - تسلیم در برابر قدرت ما فوق انسان

در این نوع ادیان، فرمانبرداری تقوای اصلی و نافرمانی بزرگترین معصیت به شمار می رود. همان قدر که خدا قادر مطلق و همه دان تصور می شود، انسان ناتوان و پست انگاشته می شود و تنها موقعی می تواند احساس

در قسمتهای پیشین با نظریات فروید و نقد آن در باب خاستگاه دین آشنا شدیم. و وعده دادیم که نظریه نو فرویدیان طرح گردد. اینک به بیان و نقد اجمالی نظریه اریک فروم^(۱) می پردازیم. برای آشنایی بیشتر با دیدگاه فروم در گرایش بشر به دین، لازم است با آرای وی در باره ادیان و تقسیم آن به خود کامه و نوعخواهانه آشنا شویم و پس از آن، نتایجی که وی بر اساس این تقسیم برای خاستگاه دین بیان کرد، مورد بررسی قرار دهیم.

ادیان خود کامه^(۲) و انسانگرا^(۳)

اریک فروم در کتاب «روانکاوی و دین»^(۴) ادیان را به دو دسته خود کامه و انسانگرا تقسیم کرد. وی این تعریف از دین را که در فرهنگ آکسفورد ذکر شده: «شناسایی یک قدرت

۱- اریک فروم در ۲۳ مارس ۱۹۰۰ در فرانکفورت آلمان زاده شد. وی تحصیلات خود را در رشته روانشناسی و روانکاوی در دانشگاههای مونیخ و برلن به انجام رسانید. فروم در ابتدا پیرو مکتب فروید بود ولی در کاربرد اصول روانکاوی در مسائل اجتماعی و فرهنگی با نظریه فروید در باره سائق های ناخود آگاه و عدم شمول این نظریه به عوامل اجتماعی و فرهنگی مخالف شد. مقالات متعدّد فروم به خصوص رساله او در باره تکامل دکترین و نهادهای مسیحیت سبب شهرت وی در روانکاوی گردید. وی در سال ۱۹۸۰ در سوئیس درگذشت. ر.ک: «جامعه سالم»، اریک فروم، ترجمه اکبر تبریزی، چاپ دوم.

۲- ویا یکه تاز: Totalitarianism

۳- ویا نوعخواهانه: Authoritarian and Humanistic

۴- فروم سعی دارد در این کتاب نظرات فروید و کارل گوستاو یونگ را مورد بررسی قرار داده، بنیادهای توافق بین روانکاوی و دین را ارائه دهد. ما در نقل آرای فروم از این کتاب استفاده کردیم که توسط آقای آرسن نظریان ترجمه شده است.

مظاهری در می آیند که «نخبه ها» یا «برگزیدگان دینی» یا «دنیوی» به نام آن بر زندگی هموعان خود تسلط می یابند.

د- احساس گناه و اندوه

در ادیان خود کامه، انسان گناهکار و اندوهگین است و برای پاک شدن باید ایمان آورد و بر دستورات دینی گردن نهد.

ه- گستردگی قانون و شریعت

از ویژگیهای دیگر ادیان یگانه تاز این است که انسان با قانون واحکام زیاد و گسترده روبه روست. برای انجام هر کاری از کوچکترین تا بزرگترین آن باید حکمی به صورت امر یا نهی داشته باشد و همواره در چارچوب شریعت حرکت کند.

ویژگیهای ادیان انسانگرا

فروم برای ادیان نوعخواهانه و ویژگیهایی را بر می شمرد که دقیقاً بر خلاف عناصر موجود در ادیان خود کامه است. وی می گوید:

ادیان نوعخواهانه بر محور انسان و توانایی او بنا شده اند. انسان باید نیروی منطبق خود را جهت شناسایی خویشتن، رابطه اش با هموعان و همچنین موقعیت خود در جهان، توسعه دهد. او باید حقیقت را با توجه به محدودیتها و همچنین استعدادهای بالقوه خود بشناسد.

در ادیان توحیدی نوعخواهانه، خدا سبیل نیروهای خود انسان است که بشر می کوشد در

نیرومندی کند که با تسلیم کامل در برابر این قدرت، فیض یا لطف او را شامل حال خود سازد. تسلیم و تمکین در برابر يك مرجع نیرومندی یکی از راههایی است که انسان از احساس تنهایی و محدودیت خویش فرار می کند. او ضمن تسلیم، استقلال و تمامیت خود را به عنوان يك فرد از دست می دهد، اما احساس حمایت شدن به وسیله يك نیروی پرهیت و شوکت در او به وجود می آید و خود جزئی از آن می شود.

ب- خدا مظهر قدرت و جبر

در ادیان خود کامه، خدا مظهر قدرت و جبر است. او برتر و فایق است؛ زیرا دارای قدرت برتر است و انسان در مقایسه با او به طرز رقت باری ناتوان است. ادیان خود کامه دنیوی نیز از همین اصل تبعیت می نمایند. در این جا، «پیشوا» یا پدر محبوب ملت و یا دولت یا نژاد، شیئی مورد پرستش و احترام می باشد. زندگی فردی اهمیت تلقی می شود و ارزش انسان در همان انکار ارزش و توانایی خود اوست.

ج- تسلط بر زندگی مردم از راه

بیان «زندگی پس از مرگ»

در ادیان یگانه تاز، غالباً آرمانهایی نظیر «زندگی پس از مرگ» یا «آینده نوع بشر» مطرح شده، حیات و سعادت افراد معاصر در آن قربانی می شود. هدفهای مورد ادعا هر وسیله ای را موجه جلوه می دهند و به صورت

عرفان و صوفی‌گری) و مذهب منطق انقلاب فرانسه، نمونه‌هایی از دین نوعخواهانه به شمار می‌روند.

وی، یهودیت و مذهب پروتستان را از مصادیق ادیان خودکامه دانسته، در بارهٔ تحولاتی که در مسیحیت ایجاد شده می‌گوید:

این موضوع که مسیحیت خود دینی بشر دوست و غیر خودکامه بوده است از روح کلیه تعلیمات مسیح و نیز متن آن هویدا است.

حکم مسیح دایر بر این که «بهشت خدا در خود شماست» بیان ساده و روشنی از طرز فکر غیر خودکامه است. لیکن تنها چند صد سال پس از آن، یعنی پس از این که مسیحیت دیگر مذهب فقرا و مستمندان، دهقانان متواضع و صنعتگران و بردگان به شمار نمی‌رفت و مذهب هیأت حاکمهٔ امپراتوری رم شده بود، گرایش خود کامگی در مسیحیت تفوق یافت. با این وصف کشمکش بین اصول نوعخواهانه و اصول خود کامه در مسیحیت پایان نگرفت و به صورت کشمکش بین اوگوستن و پلاگیوس، کلیسای کاتولیک و گروه‌های بیشمار «ملحد»، و همچنین کشمکش بین فرقه‌های متعدد پروتستانسیسم، ظاهر شد. (۱)

فروم در بارهٔ اسلام چیزی نمی‌گوید، ولی با تعریفی که وی از ادیان یگانه‌تاز و انسانگرا ارائه

زندگی خود به آنها تحقق بخشد، نه سبیل قدرت نیرویی برتر از انسان.

ایمان عبارتست از قطعیت یافتن معتقدات شخص بر اساس تجربه فکری و عاطفی او، نه پذیرش القائاتی به اعتبار شخص القاء کننده. در این جا، فرد در حالتی توأم با خوشی و شادمانی به سر می‌برد.

بنابراین، در ادیان انسانگرا، انسان ارزشمند و خوب تلقی شده، بدی و زشتی عارض وجود انسان است و رابطهٔ بین خدا و انسان رابطهٔ عاشق و معشوق است و انسان محبوب خداست چه مطیع باشد چه گنه‌کار.

تطبیق ویژگی‌های مذکور بر

ادیان موجود

در نظر فروم، خود کامگی و انسان دوستی در عین این که وجه تشخیص بین ادیان مختلف است، ولی امکان دارد توأمأ در یک دین هم جمع شده باشد. لذا، همهٔ ادیان قابل تفسیر یگانه‌تازانه و انسان گرایانه هستند، ولی درجهٔ هر کدام متفاوت است. مثلاً بودائیت به انسان گرایی نزدیکتر است و یهودیت به یگانه‌تازی.

فروم معتقد است که اصول نوعخواهانه در بعضی از سیستمها اساس تعلیمات قرار گرفته، مایهٔ وحدت آنها می‌باشد. وی می‌گوید:

بوداییسم اولیه، تا تویسیسم، تعلیمات اشعیا، مسیح، سقراط، اسپینوزا و برخی از روندهای مذهبی ادیان یهود و مسیح (به ویژه

و نظریات هستند. اگر در بین دیدگاهها تفرقه و تشتت باشد، زندگی اجتماعی از هم پاشیده می شود و افراد جامعه به تفاهم و ارتباط اجتماعی نخواهند رسید، لذا برای تأمین این مقصود باید دید مشترك و همگانی داشته باشد و کلام دین است که به پیروانش دید مشترك می دهد.

ب - کانون سر سپردگی

نیاز دیگر انسان این است که وی دست به سوی کانونی دراز می کند که سرسپرده به آن باشد، انسان از آزادی مطلق^(۱) وحشت دارد. چه این که اگر آزادی مطلق در پیش روی انسان باشد، برای انجام هر کاری، احساس مسئولیت کرده، خویش را ملزم به پاسخگویی کارهایش می داند. ولی اگر تابع حکم فرد یا گروه و یا مجموعه دستورهای دین و آیینی بداند، مسئولیتها را به عهده آمر و ناهمی انداخته، خود را از مسئولیت جوابگویی به مسائل مختلف رها می سازد. انسان از آزادی می گریزد چون می خواهد در دام مسئولیت که لازمه آزادی است گرفتار نشود و از آن جا که انسان پیوسته سراغ کانون سرسپردگی می رود، بازار دیکتاتوری حاکمان رواج داشته است. دیکتاتورهای حاکم گر چه از انسان سلب آزادی می کنند ولی از نظر این که بار مسئولیت اعمال آنان را به عهده می گیرند، موجب

داده، می توان گفت که به نظر او، اسلام از ادیان یکه تاز است چون که: اولاً: اوصاف یکه تاز تقریباً بر اسلام منطبق است و ثانیاً: مذهب پروتستان که وی از آن نام می برد، در قسمتی از دستورهای دینی به اسلام نزدیک است و حتی عده ای معتقدند که علت پیدایش این مذهب، برخورد مسیحیان با مسلمانان در اسپانیا و پرتغال و... بوده است.

یادآوری

آن چه را که تا این جا از فروم نقل کردیم، در حقیقت مقدمه ای مفصل بود که فروم برای به دست آوردن نظریه خاستگاه دین مطرح کرده است. لذا، آثار و نتایج سخنان فروم در باب تقسیم ادیان به یکه تاز و انسان گرا و تحلیل مفصل آن، فرصت دیگری را می طلبد. و اینک به بیان فروم در گرایش بشر به دین می پردازیم:

علت گرایش بشر به دین

فروم پس از تقسیم ادیان به خود کامه و انسان گرا، علت گرایش بشر به دین را چنین تحلیل می کند که وجود دو نیاز عمده در انسان موجب گرایش بشر به دین شد:

الف - نگرش مشترك و همگانی

انسانها برای به دست آوردن زندگی اجتماعی سالم، نیازمند وحدت دیدگاهها و آرا

۱- یکی از بزرگترین آثار اریک فروم، کتاب معروف «گریز از آزادی» (Escape Of Freedom) اوست که در سال ۱۹۴۱ آن را نوشت. این کتاب، تأثیر چشمگیری در فلسفه تاریخ روشنفکری و روانشناسی داشت.

را بپذیریم که ادیان همیشه سعی دارند همان وضع موجود جامعه را حفظ کنند تا انسجام بیشتری به نظام اجتماعی جامعه داده باشند، نه این که حتی مشترکات موجود در جامعه را نادیده گرفته، اصول جاودانه دیگری را به ارمغان آورند. پیامبران که اولین گروه متدینان دین بوده اند، همیشه بر علیه وضع حاکم بر جامعه، آرا، آداب و رسوم که از جایگاه اصیل و مطابق فطرت و اخلاق صحیح بر خوردار نبودند، می شوریده اند.

ج - اریک فروم با بیانی که داشته است در حقیقت به بخشی از آثار دین اشاره کرده و مطلب را کامل نکرده و به جواب نهایی نرسیده است. وی می بایست به این مسأله پردازد که رمز این که دین دید مشترک و کانون سرسپردگی مشترک به جامعه می دهد چیست؟ فروم همانند فروید و یونگ به بدیل ناپذیری دین معترف است، در عین حال، جستجو نکرد که رمز بدیل ناپذیر بودن دین چیست؟ چرا کار دین را یک نظام سیاسی یا اخلاقی و یا ادبی نمی کند؟ اگر در این مسائل تحقیق گردد، ویژگیهای دین و آثار مثبتی که دین در جامعه دارد، معلوم می شود، و علل نیاز بشر به دین حتی با پیشرفت علوم مختلف، محسوستر و رمز هنر دین در هدایت مردم مکشوف می گردد.

فروم پس از طرح گرایش بشر به دین به نقل نظریه ای از فروید در باره اشکالاتی که به دین وارد کرده است می پردازد و آنها را قبول می کند. به لطف الهی در آینده به بررسی اشکالات مطرح شده می پردازیم.

سرسپردگی خواهند بود. سپس، بشر برای توجیه درست این سرسپردگی به دین توجه می کند و بخش فقه و اخلاق، این کانون سرسپردگی را بیان می کنند.

از طرف دیگر، ادیان یگانه تاز چون احکام بیشتری دارند، این دو نیاز را بیشتر و بهتر بر آورده می کنند و در واقع موقعیت هم با آنهاست؛ اما ادیان انسان گرا، گرچه به حق هستند ولی چندان توفیقی در جذب افراد ندارند.

ملاحظه و بررسی

خلاصه کلام فروم این است که: منشأ گرایش به دین آن است که دین به انسانها دید مشترک و کانون سرسپردگی مشترک می دهد و چون هر اجتماعی محتاج به این دو امر است، لذا دین در خدمت نیازهای جامعه است. پس در حقیقت دین دارای خاستگاه اجتماعی و تأمین این بخش از نیازهای انسان به وجود آمده است.

تحلیل روانکاوی فروم از دین و قضاوت کلی وی قابل مناقشه است. اینک چند نکته را یاد آوری می کنیم و ادامه بحث را در ارتباط با پاسخ گویی به سه اشکال فروید و فروم در باب آثار دین پی می گیریم:

الف - بعضی از اشکالاتی که بر نظریه فروید وارد بود (که در شماره های پیشین گذشت) به سخنان فروم هم وارد است.

ب - اگر سخن فروم درست باشد که: «ادیان می خواهند دید مشترک و کانون سرسپردگی مشترک درست کنند»، باید این لوازم